

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس یکشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۱۵ *

فهرست مطالب

- ۱ (تصویب صورت مجلس)
 ۲ (شور اول بجه لایحه مجازات عمومی از ماده ۶۷)
 ۳ (تصویب چند فقره مرئوس)
 ۴ (موقع جلسه بعد - غلم جلسه)

(مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر برباست آقای اسقند باری تشکیل گردید)

صورت مجلس ۳۱ اردیبهشت را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند **

- ۱ - تصویب صورت مجلس]
 دهنده جرم با کیفیات مشدده خاص نباشند موجب تشدید جرم محسوبند .
 رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (خبر) صورت مجلس تصویب شد .
 ۲ - شور اول بجه لایحه مجازات عمومی از ماده ۶۷]
 رئیس - بجه شور اول لایحه مجازات عمومی از ماده ۶۷ مطرح است .
 فصل دوم - کیفیات جرم
 (کیفیات مشدده عمومی)
 ماده ۶۷ - کیفیات ذیل در صورتی هم که از عناصر تشکیل
 ۱ - وقتی که جرم بفرس بست و حقیر ارتکاب شده باشد .
 ۲ - وقتی که جرم برای ارتکاب با اخفاء جرم دیگری و یا برای انتفاع مادی خود یا غیر از جرم دیگری و یا برای بی مجازات ماندن جرم دیگری ارتکاب شده باشد .
 ۳ - وقتی که در جرائم غیر عمدی با توجه مرتکب با امکان وقوع حادثه اقدام با ارتکاب شده باشد .

* عین مذاکرات مشروح ضمنین جلسه از دوره دهم تقنینیه (ستین قرون ۸ آئرمه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

** اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده

غائبین با اجازه - آقایان : حاج ملک - طوی - سیزوری - نصف - دکتر احتشام - انوشیروانی .
 غائبین بی اجازه - آقایان - طهرانی - کاشف - ساج مختارمشیر - امیر ابراهیمی .
 دیر آمدگن بی اجازه - آقایان : دکتر ادم - نیک پور - وکیل - شایانک - اعظم زنک - مسعودی غراسانی - پات - نقابت .

بیاورد یا بپزاند اکثر تشدید نماید ولی در مواد قانون عبارت کم کردن یا اضافه کردن مجازات بدون ذکر اینکه چقدر کم یا زیاد بشود در قانون سابق هم بود و خوب است در کمیسیون هم که مذاکره شد مثل این است که يك اصطلاحی است وضع شده در این ماده که قرائت شد میبوسید که در قانون يك جهات تخفیف و يك جهات تشدید پیش بینی شده جهات تخفیف معلوم است وقتی که یکجری معین میشود روی اوضاع و جهات تخفیف که در پیش بوده است مثل اینکه مرتکب برای دفاع از خود یا استیفاء دیگری مجبور بوده است البته عمکه در این جا تخفیف میدهد قسمت تخفیف و تشدید که معین است ولی قسمت کسر و اضافه کردن مجازات اینطوریکه در کمیسیون مذاکره شد و آقای وزیر عدلیه هم توضیح دادند مثل این است که بعضی موارد هست که تخفیف و تشدید مجازات بواسطه یعنی جهات لازم است اما آنچه که مربوط به کسر یا اضافه کردن میزان مجازات لازم است معین نشده خلاصه مقصود بنده از این عرایض خوب بود در قانون ذکر میکردند که چه باید اندک و زیاد بشود و در مواد قانون باید سریع باشد و باید باید فوراً موی پیدا کرد برای این کار که در اینجا هم مبهم باشد.

دوایر عدلیه - یا طرزیکه در مواد پیش بینی در عایت شده در قسم کم و زیاد کردن داریم یکی کم و زیاد کردن است که بطور مطلق در يك ماده میگوئیم فلان قدر کسر یا اضافه میشود چون معمول است در آن موادیکه کم و زیاد را معین کرده است حد اکثرش را که تا چقدر کم و زیاد باشد چه در طرف تخفیف و چه در طرف تشدید معین کرده است و باید يك اختیاری هم برای عمکه باشد یعنی همانطور که از برای این مجازات يك حد اقل و اکثری هست و ما این آن بسته بنظر عمکه است همینطور هم از برای آن چیزهایی که موجب اضافه یا تخفیف میشود باید يك اختیاری از برای عمکه باشد مثلاً ما اینجا میگوئیم کیفیت متعطف. کیفیت تخفیف چند چیز است

تخفیف بنظر عمکه قوی تر باشد مجازات را رعایت تأثیر کیفیت است مشدد در جرم بیزاری که در نظر عمکه اقتضا دارد تخفیف داده میشود.

ولیس - آقای دیبا .
دوایر - در این ماده تصریح شده اگر هر دو در نظر عمکه مساوی باشند هر دو کان لم یکن فرض شده و مجازات اصل جرم منظور میشود بنده عقیده ام این است که این ترتیب خوب نیست و در تمام قوانین اینطور است که طرف تخفیف بیشتر گرفته میشود تا طرف تشدید چنانکه در عطف قوانین به سابق اگر يك قانونی معینی بر تشدید شد عطف به سابق امیثود و اگر مینوی بر تخفیف شد عطف به سابق میشود و این ماده بگذردی بر خلاف اصل بنظر منی باید اگر دو طرف مساوی هستند باید طرف تخفیف را در نظر گرفت نه این که هر دو را کان لم یکن فرض کنیم
دوایر عدلیه - آقای دیبا يك دغای از طرف متعین دارند ولی عرض میکنم بهر این است که طرف عدالت را بگیریم ما این طرف را نه آن طرف را و اما آن مثالی که راجع به عطف سابق فرموده آن اوراقی نیست بلکه دارد و آن این است وقتی که مرتکب يك عملی را که مرتکب شد در يك زمانی که در قوانین بر اها او ششماه حبس معین شده او بیخیال اینکه شش ماه حبس دارد این کار را کرده اگر بعد در ضمن قوانین معین شده که سه سال بسرای این عمل حبس لازم است چون در این زمان او مرتکب تشدد و در زمانی مرتکب شده که متنوعیست آن اندازه بوده این باید بهمان اندازه مجازات بشود نه با اندازه سه سال و عکسش هم حکمتش همین است وقتی که قانون تخفیف داد یعنی امروز جامعه انتظار دارد که همچو محبوس را ششماه حبس کنند ولی در روز قانون طلوری بود که سه سال حبس میکردند دیگر جامعه انتظار آن را ندارد که يك چنین کسی را مطابق پیش سه سال حبس کنند.

ولیس - آقای نقابت

نقابت - بنده عرض مقبول دانستم در طبع این ماده اشتباه شده است کویا زیرا در صورت مساوی کیفیت مشدد و تخفیف البته حکمش معین شده است که سلف میشود ولی در صورتیکه یکی قوی تر باشد دیگری ضعیف تر معلوم نشده است. آقای وزیر عدلیه خوست توضیح بدهند زیرا این در طبع کویا اشتباه شده باشد.

دوایر عدلیه - مقصود شدت و ضعف بوده است ممکن است در يك طرف يك کیفیت باشد و در طرف مقابل چند کیفیت باشد ولی آن يك کیفیت در اثر و تأثیر مساوی آن چند کیفیت باشد اگر عبارت نبرساند ممکن است در کمیسیون اصلاح شود.

ولیس - ماده ۷۷ قرائت میشود.
 (کیفیت اصل و کیفیت قابل در مورد تعیین مجازات)
 ماده ۷۷ - کیفیاتی که مربوط به طبیعت عمل یا نوع یا وسایل یا موضوع آن و با مربوط میزان و مکان و کلیه هر کیفیتی که مربوط بعمل و با مربوط با اهمیت عبارت با خطر و با کیفیاتی که مربوط با احوال و اوصاف طرف جرم باشند کیفیت قابل محسوبند.

کیفاتی که مربوط به سه نوع است با درجه خطا با احوال و اوصاف مشخصه مجرم و با روابط مجرم با طرف جرم و کیفیاتی که کیفیاتی مشخص مجرم است کیفیت قابل محسوب میدانند کیفیت مشخص مجرم مجرم عبارت از درجه مسئولیت و تکرار جرم است

ولیس - ماده ۷۸ قرائت میشود
 فصل سوم - اجتماع چند جرم
 (محکومیت برای چند جرم در يك حکم)
 ماده ۷۸ - وقتیکه محکومیت شخص معینی را نسبت بجرمهای متعدد باید در يك حکم اعلام نمود مواد ذیل رعایت میشود.

ولیس - ماده ۷۹
 اجتماع جرائمی که مجازات آنها غیر دائم است از نوع واحد است

ماده ۷۹ - در مورد اجتماع چند جنایت که برای

هر یک کفر از بیست سال حبس میتوان تعیین نمود سی سال حبس یا کار مین باشد.

در سایر جرائم که مستلزم حبس موقت یا کار یا حبس تأدیبی است مدتی که مابری یا مجازاتها باشد تعیین میگردد **فهرس - آقای دکتر طاهری**

دکتر طاهری - بنظر بنده در جامی که اگر چند جرم را از یک نوع هر یک بشود بلکه اندر از همه استنا ملاحظی آن مجازات میشود به اینگونه تمام جرائم محکومیت - مایش جمع شود و مجازات شود حالا بتجدید بنده اگر با یک یا مستندین پنجاه تومان اختلاس کرده باشد یک جا و یک جا هم چندان نوبان اختلاس کرده باشد باید همان جرم چندان نوبان را بدو با صد تومان را بدو و اجتماع چندین جرم که این جا مینویسم در سایر جرائم که مستلزم حبس موقت یا کار یا حبس تأدیبی است مدتی که مابری یا مجامع مجازاتها باشد تعیین میگردد بنظر بنده این خیلی سخت استنا

دکتر علی - مسئله را که آقای دکتر طاهری تذکر داده یکی از اصول قانون جزا است قبل از این اکثر قوانین استظهار بوجه قانون مجامع مینظارد است یعنی اصل ارفاقی که در واقع جرمهای کوچک در چندین جرم بزرگ مستهلک است و مجازات آن جرم بزرگ و شدید باد وادم میشود لیکن اخیراً نظر مفسرین از این اصل برکنند و اصل جمع را در نظر گرفته اند که مجازاتها جمع میشود بلکه این هم این است که اگر کتبی مجازات جرم اندام داده میشود یک جرمی که جرم بزرگی کرده دیگر با کسی ندارد که دو جرم کوچک هم وقت سران بکنند برای اینکه مجازاتی همین است دیگر و برای ارفاقی نخواستند کرد و آن مثل هر وقت است که وقتی آب زسر که نیت چه باک بی چه صدی و این خطرات است و ملی وقتی بداند که قاعده جمع هست و برای جرمی مجامع مجازات میکند آنوقت خود داری خواهد کرد **فهرس - ماده ۸۰ :**

اجتماع جرم جامی که مجازات آنها حبس از انواع مختلف است .

ماده ۸۰ - اگر مجازات چند جرم حبس از انواع مختلف باشد همه آنها علجمه و تماماً مجری میشود و مجازات حبس تأدیبی در آخر اجرا میشود .

فهرس - ماده ۸۱ - مجامع و یک اجتماع جرمهاییکه مجازات آنها جزای نقدی است .

ماده ۸۱ - اگر مجازات چند جرم جزای نقدی باشد همه آنها علجمه و با تمام اجرا میشود . **فهرس - ماده ۸۲ :**

مجموع با مختلف دانستن مجازاتهای مجامع ماده ۸۲ - مجازاتهای مجامع از نوع واحد از حیث آثار قانونی مجازات واحد محسوبند مگر آنکه قانون طور دیگر مینماید کند .

مجازاتهای مجامع از انواع مختلفه از حیث آثار قانونی مجازات واحد از نوع مجازات اند محسوب میشوند لیکن در کیفیت اجرا و احوال مقررات تأدیبی و هر ترتیب دیگری که قانون مینماید کند مجازاتهای مختلف و متمایز محسوب میشوند . **فهرس - ماده ۸۳ :**

تعیین مجازاتهای تبعی

ماده ۸۳ - در مورد مجازاتهای مجامع اعم از نوع و انواع مختلفه که بعضی از آنها مستلزم مجازاتهای تبعی باشد و یا در حکم محکم قید شود - در صورتی که مجازاتهای تبعی مجامع و مختلف باشد تماماً اجرا میشوند و در صورتیکه مجازاتهای تبعی از نوع واحد باشند اشد اجرا میشود .

فهرس - ماده ۸۴ :

حد اکثر مجازاتهای اصل ماده ۸۴ - در مورد اجتماع چند جرم که مجازات آنها حبس جزای نقدی از نوع واحد است و با مجازات آنها نقدی است جز در قسمت اول ماده ۷۸ مجازاتی که

بموجب آن ماده و ماده ۸۱ قاعده میشود نباید از پنج برابر تعدیدترین مجازات بشود و در هر صورت از حدود ذیل نباید تجاوز نماید .

۱ - از ۲۵ سال در مورد حبس تأدیبی (در مورد ۶ سال در مورد جرم برای جرم تأدیبی)

۲ - از ۳۰ سال در مورد حبس تأدیبی (در مورد ۳۳ و ستم دوم ماده ۳۴ را تمام میکند از سیصد هزار ریال .

در مورد اجتماع جرائم مذکور در ماده ۸۰ وقت مجازاتهایی که بموجب همان ماده تعیین میشود نباید از ۲۵ سال تجاوز نماید - آن مقدار از مجازاتی که بر این حد علاوه باشد از وقت حبس تأدیبی کسر میشود و اگر وقت حبس تأدیبی کفر از حدی که علاوه باشد بیشتر از مجازات های دیگر کسر میشود .

وقتی که بواسطه عدم قدرت محکوم بر تأدیبه سلب جزای نقدی توبیل ریال برای سلب ستم است این مجازات نباید از ۱۰ سال حبس تأدیبی تجاوز کند .

فهرس - ماده ۸۵ - فراتر از مجامع جدا کثر مجازاتهای تبعی مجامع در مورد اجتماع جرائم ماده ۸۵ - حد اکثر مجازاتهای تبعی و شدید وقت مجامعاً نباید از حدود ذیل تجاوز کنند .

۱ - در مورد مجامع از استخدام رسیدی و یا مجامع است از انتقال بصره یا ستمت همین دو سال .

۲ - در مورد تالیق انتقال بصره یا ستمت همین پنج سال .

فهرس - ماده ۸۶ :

اجتماع احکام مجامع ماده ۸۶ - احکام مواد سابقه ازین قبل نسبت باشخاصی که هم بموجب حکم محکوم شده ولی قانون تماماً اجرا نشود و برای جرم دیگری قبل یا بعد از آن محکومیت هر یک بود و باید مجامع شوند و همچنین در موردیکه نسبت بیک شخص چند حکم محکومیت سلب اجرا شود

توبیل میگردد .

فهرس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - این ماده چون مربوط است به ماده ۸۵ از این جهت قید شده فقط و مستلزم یک توبیلی آقای وزیر عدلیه گردانده در ماده ۸۵ مینویسد . در مورد مجامع از استخدام رسیدی و یا مجامع انتقال بصره یا ستمت همین دو سال .

البته اشکال بنده در بعضی بیست فقط نظیر اینست که وقتی یک کسی مجامع است در آنجا بیک جرمه یا ستمت بعضی انتقال پیدا کند یا بجای حد دو نفری بکنند چون عدلیه که شد بنده متوجه است که در آن چند سال انتقال پیدا میکند یا اگر مجامع شد بیک مدت بعضی باز هم متناهی این است که در آن چند سال انتقال پیدا کند خواست توبیلی بگردانند که در این جا در تالیق توبیلی این عبارت باید قانونی در بین است یا غیر ا

دکتر علی - در مواد بعد از این روشن میشود ولی متوجه این است که در بعضی موارد ممکن است محکوم حتی در بعضی از اوقات مستلزم هم مجامع مجامع را همانطوریکه توبیلی مجامع بکنند او را در یک وقتی هم تالیق و ادعای از انتقال بیک جرمه بعضی بکنند از قبل توبیلی مجامع ولی محکومیت مجامع بود از حکم است و این تالیق سال قبل از حکم است حکم هم تالیق در مواد بعد خواهد آمد (صحیح است) .

فهرس - ماده ۸۷ - مجامع و ستمت :

جرامه مجامع بواسطه یک عمل . ماده ۸۷ - اگر بواسطه یک عمل چند جرم حاصل شود اعم از اینکه جرائم مذکور در جدول يك عنوان قانون مجازات باشد یا جدول چند عنوان جرائم مجامع و ستمت و احکام مواد فوق در آنها مجری خواهد بود .

فهرس - ماده ۸۸ - مجامع و ستمت :

ارتکاب چند عمل مجامع برای مجامع واحد - جرم ستمت ماده ۸۸ - اگر چند عمل مجامع برای انجام يك مجامع

مجرمانه ارتکاب شده باشد چرم واحد محسوبست ارتکاب مجازات عملی بمرکب فاده میشود که شدید تر باشد.

چرم منقسم نیز چرم واحد محسوبست و احکام مواد اولی در آن جاری نخواهد بود در این دو مورد مکتوبات نامه برای مجازاتی که برای آن چرم مبراست اضافه نشود.

نویس - ماده عقائد و هم :

صدمه وارده بر شخص دیگر غیر از آنکه مقصود بوده

ماده ۸۸ - هرگاه سبب اشتباه در کیفیت استمهال وصال اجراء چرم یا بهر سبب دیگری صدمه منظور بر کسی غیر از آنکه مقصود بوده وارد آید به مرتکب همان مجازاتی داده میشود که در صورت ورود صدمه بر شخص مقصود داده شده و در این مورد احکام ماده ۷۰ در خصوص کیفیت صدمه و کیفیت تخفیف جاری خواهد بود. هرگاه علاوه بر شخص غیر مقصود بر شخص مقصود نیز صدمه وارد آید مجازات شدیدترین چرم با اضافه مقدار مجازاتی که از نصف مجازات مذکور تجاوز نکند بچرم داده میشود همچنین است در صورتیکه مجازاتها مساوی باشد. مقصود از صدمه هم از صدمه بدنی و مالی و شرعی است نویس - ماده نهم :

واقع حاداه غیر مقصود

ماده ۹۰ - اگر از روی اشتباه در کیفیت استمهال وصال ارتکاب چرم یا بهر علت دیگر حاداه غیر از آنچه مقصود بوده بوجود آید مساوات مرتکب در مورد حاداه غیر مقصود مالی مساویست چرم غیر عمدی است و در صورتیکه عمل مزبور در قانون چرم غیر عمدی پیش بینی کرده باشد.

اگر مرتکب حاداه مقصود را نیز بوجود آورده باشد مقررات مربوط با چرم مجرام در باره او جاری میشود. نویس - ماده نهم و پنجم.

(چرم - آب)

ماده ۹۱ - در مورد چرمی که عناصر تشکیل دهنده

با کیفیت همدغه آنها هر يك به تنهایی مطابق قانون چرم باشد حکم اجتماع چرم جاری نخواهد بود.

نویس - ماده نهم و دوم.

باب چهارم - نصیر و طرف نصیر

اصل اول - توجه تکلیف و مساویت

تکلیفات هم و اراده

ماده ۹۲ - کسی که در موع ارتکاب هم با اراده ندارد مسئول نیست و مجازات نمیشود.

نویس - آنگاه هزار چرمی

هرگاه چرمی - این چنانچه عقیده مردم قانون که گذاشته میشود باید بداند چرم مقصود باشد یا نه اعلی مملکت بنامند و آن قانون اجرا شود. این چنانچه ماده است در این قانون که اصلاً برای خود ما هم فهم آن مشکل است لاجرم رسد برای مردم. این چرم در ماده ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و اینها مکتوب هم و اراده. ماده ۹۴ مکتوب است که در موع ارتکاب هم با اراده ندارد مسئول نیست و مجازات نمیشود. اینها بنامند بهر موع آنگاه وزیر عدلیه توضیح بفرمایند که مقصود چیست و این آدمی که هم و اراده ندارد اصلاً قابل زندگانی در اجتماع نیست. هم و اراده را تعریف کنید که یعنی چه و آدمی که نه هم دارد نه اراده یعنی کی ؟ هم که ندارد اراده هم که ندارد این آدم که قابل زندگانی در جامعه نیست اگر دیرباز است میفرماید بدارالاجابین پس کسی که هم و اراده ندارد این موضوع ندارد اراده را باید از روی هم بکنند ولی که هم نباشد چرم و چرم پیدا میشود اراده از روی هم است منباید بدوم و اراده هم که فلان آدم را بزنم و بکشم ؟ بعد در ماده ۹۳ مکتوب است اگر کسی برای اینکه دشمن دیگری را وادار بارتکاب نصیری کند و او را در حالی واقع سازد که قوه هم با اراده از او سلب شود . . . چرم و بک آدم دیگری میفرماید اینکار را بکنند و این را خواهند گفت که بک آدمی را ممکن است مجبور کنند که از هم خارج شود آن را در ماده قبل داشت که اگر کسی چنین کاری

را کرد که این مواد داخلی بآن ندارد خوب باشد چرم اراده از او سلب میشود ؟ اگر اراده از او سلب شد کاری کند بک کسی را بگیرد میگوید نه همی ؟ میگوید نه همی ؟ بعد میگوید نه همی ؟ پس از امسال و مقدماتی میگوید بلی نه همی میگوید بلندو و آن آدم را بکلی خوب این اراده دارد که میبهدم خوب این اگر عامل باشد که اصلاحه مقصود از او سلب هم کرد اگر هم مجنون باشد و عاقل نباشد که او را ببرد دارالاجابین. بعد میآید در ماده ۹۴ مکتوب است حکم ماده ۹۲ در باره کسی که برای ارتکاب نصیر یا بهیبه عذر از خود سلب هم و اراده کرده و با رضایت داده است که دیگری سلب هم و اراده از او بکنند جاری نیست. بنده که چیزی از ماده امی هم منظور امام این مواد که بقصد بنده هم آن مشکل است و بقصد بنده برای مردم اسباب زحمت میگرداند علاوه بنده این است که که هم و اراده را صرف بکنند آنگاه وزیر عدلیه که چیست ؟

نویس - آنگاه دکتر ادهم

دکتر ادهم - بنده هم راجع همین قسمت هم اراده که ذکر شده است خواستم لذا که عرض کنم که اشخاصی که مجنون هستند و اراده ندارند بک کار هالی می کنند که هم بشر بحال جامعه واقع میشود نه اینکه همین قانع شد که خوب حالا مجازات نمیشود یا مسئول نیستند یا خودشان شخصاً آنکاره هاغشان در حالی است که اختیار از خودشان ندارند و بک کار خلافی میکنند این کافی نیست و باید این را هم متذکر بود که اینها را طوری محدود کرد که از زمان اولاً صدمه بر دم وارد نشود بک مجنون یا بک علیه میزند بک نفر را می کند نوی کرچه و خیابانها را با کوبیم که این مجازات ندارد و اینطرف و آنطرف بافخاص صدمه وارد کنند ما بگراییم که چون این مجنون است و دشمن ندارد مجازات نمیشود ولی این دلیل نبوده که بک آدمی سایرین را بزند باندازد و از وجود خودش که برای جامعه موجب نیست اسباب زحمت بک عده بیچاره

باشد مثل اینکه در چندسال پیش بک آدم دیرانه که بیچار بود بک شخص بیچاره را نوی خیابان زد بگریش باشه و کت ؟ خوب اینکه دلیل نمیشود که اینها آزادگانت و ولتان کرد نوی کرچه و خیابان که برای سایر مردم اسباب زحمت و خسارت جانی و تلفات مالی بشوند پس اینها را برای اینکه خسارت منجر نکنند لائلی باید یا در دارالاجابین با در توفیق گاههالی بنگاهداری کرد و معالجه کردتا وقتی که حالشان خوب شود و رفتنی بشود که بیرون بیایند و دیگر مضر برای جامعه نباشند.

فکر عدلیه - مطلب را اینطور بنده

متوجه شده ام که در اصل قانون اشکالی نیست و آنگاه اشکالی ندارند و خیلی هم خوفورت هستم از اینکه بک مذا کرانی بشود و توضیح داده شود زیرا که این مواد مخصوصاً این چند ماده خیلی جنبه علمی دارد و باید خیلی متذکره و بیامنه شود در اطرافین - از نظر علمی وقتی نگاه کنیم آنگاه اصولاً انسان مربوط بشود چیز است بک همی است و بکی اراده و اراد او فهم هم در تحقیق غیر بشر است ؛ بک و بدسات منط تکلیف آنچه را که میگوئیم منط تکلیف است و از برای آنها در تکلیف صدمه و غیر صدمه بک سنی منم شده است مثلاً ۱۰ سال برای این است که این شخص بدهد بدو بخوبی و بشر را و دکتر از آن سال هم مجازات ندارد و با اصطلاح شرعی طلب ندارد چون قوه تعقل است ؟ چرا حیوان قابل مجازات نیست ؟ چون قوه تعقل ندارد ؟ چرا اطفال مجازات نمیشود ؟ همین لحاظ است شخص هم غیر از اطفال وقتی قوه هم از او سلب شد بهر چیزی که میبوهاد باشد یا بواسطه عارضه چندان یا بواسطه او را بش دیگر یا بآن کسی که در ماده بعد اشاره میکنند مثل اینکه همین توضیح من کرده اند و فهم دارند و از او سلب کرده اند و دیگر فهم ندارد با فرض کند براه آدم خواب بک چیزی را برداشت ؛ بنش هایک بد خوابی ای دارند ؛ بک چیزی را برداشت و برت کرد روی سربک کسی و آن شخص مرد این آدم فهم نداشته است و مجازات نمیشود خوب بک کسی هم صدمه رسیده است رسیده است - این

مثل کسی است که مرض حصه گرفته است و مرده است مرض حصه را که کسی مجازات نمی‌کند خوب اتفاق است افتاده است اما اراده غیر ازهم است ممکن است فهم باشد و کاملاً انسان شخص خوب و بد را هم بعده ولی این فعل با اراده خودش صادر نشده است ' با اراده خودش که ببرد ممکن است چند صورت پیدا کرده باشد یکی اینکه از روی غفلت صادر شده است نه با اراده آنوقت می‌رود روی اینکه غفلت ناپاچه حد است که می‌باید احتیاطی کرده باشد در کار خودش و تا آن اندازه البته مجازات خفیفی بر او داده می‌شود ولی مجازات اصل عدل باورده نمیشود چون از روی غفلت صرف بوده است یکی هم این است که اگر بشود بدشکی که از روی اراده این کار را می‌کند که آن هم حکمش بعد می‌آید که آیا آنچه که با او کرده شده است جریمه که مرکب شده است مسامحه است یا مسامحه نیست غرض آن دو چیز است که در تکلیف و مؤثبات است و دو چیز است فهم و اراده با هم است و هر کدام منفی شد موجب فنی - مؤثبات است -

مجتهد کلبیون عدلیه (مؤید احمدی) - موضوعی را که آقای دکتر ادله فر مراد آقای وزیر عدلیه جواب ندادند ' این بود که بنده خواستم عرض کنم ما اینجا قانون مجازات می‌نویسیم یعنی کیسیون عدلیه می‌نویسد و تهیه می‌کنند و رأی میدهد و می‌گذرد بمجلس تقدیم میکنند ولی دیوانه را که ما نباید بنویسیم که برودش بدار المجانین برای معالجه یا بفرستیم به زندان آن دیگر البته وظیفه دولت و حکومت ولایده است که بک کسی را وقتی فهمید دیوانه است با مرضی است ببرد بدار المجانین یا ببرد به ریاضخانه و او را معالجه کند اما در قانون مجازات که نمیشود این فکر را کرد و نوشت که دیوانه را باید گرفت البته در قوانین کلی خودش معین شده است (معدل - ولی تذکرش هم بد نیست) البته تذکرش هم خوب است حالا فرض کنید بک نفر را چون عقل گرفت زود بک نفر را کشت همان ساعت معطله فهمید البته باید او را گرفت و ببرد و حبسش هم کرد ولی مجازاتش که نمیشود کرد چون همینطور که در قانون مطرح است

ارتکاب فهم یا اراده ندارد مسئول نیست و مجازات نمیشود ولی در ماده ۹۴ مینویسد : کسی که برای ارتکاب تقصیر یا ناهی عذر از خود سلب فهم و اراده بکند قائل مجازات است یعنی حکم ماده ۹۲ در موردش اجرا نمیشود و باید مجازات شود بنا برین بنده عرض میکنم که علت را راست است خودش ایجاد کرده است بک عاقل ایجاد کرده است که سلب فهم و اراده از او شده است اما همان موضوعی که حکم برش وارد میشود یعنی موضوع عدم مجازات در مورد سلب فهم و قوه مدکره در این جا هم وارد است یعنی این آدم هم الساعه قوه مدکره ندارد ' و فهم هم ندارد اراده هم ندارد و او بعلت اینکه خودش این آدم سلب قوه مدکره و اراده و فهم از خودش کرده باشد. شما حکم ماده ۹۲ را می‌گویید اولاً کسی که در موقع ارتکاب جرم فهم و اراده ندارد مجازات نمیشود این آدم هم موقع ارتکاب فهم و اراده ندارد فقط چیزی که هست اینجا است که شما می‌گویید خودش سلب فهم و اراده را برای خودش ایجاد کرده است این بک تقصیری است که ایجاد کرده ولی الان در موقعی که عمل را بجا آورده فهم و اراده نداشته و فرقی بین این دو نیست فقط فرقی که هست این است که خودش آن سلب فهم و اراده را برای خودش ایجاد کرده و مجازاتی هم باید داشته باشد ولی باید حکمش مطابق ماده ۹۲ فر قرار شود چون فرقی ندارد.

ولیر عدلیه - موضوع حکم ماده ۹۲ بک اصل است و ممکن است که هر اصل بک موارد استثنائی هم پیدا کند پس از این جهت نمی‌توان گفت که خودش فرقی بین این دو ماده است زیرا که این حکم خاص است و آنوقت حکم عام است این جا در مورد کسی که سلب فهم و اراده از خود بکند اولاً مجازات قانونی را که ملاحظه میفرمایند این است در باره کسی که برای ارتکاب تقصیر یا ناهی عذر از خود سلب فهم و اراده بکند کرده است. و خودش را ملامت میکند بدوچه که بی خود بشود و آدم بکند این فاعله الامتناع بالاختر یا بنا فی الاختیار

خودش را بربانه کرده آن عملی که سبب دیوانه شدنشده است باید مجازات داشته باشد فرسأ قتل مرتکب شده آن قتل باید مجازات داشته باشد ولی آن جرمی را که مرتکب شده است که خودش را فاقد اراده کرده تا نواسته است قاتل و قاتل خود آن را باید مجازات کرد و این مربوط می شود به الاستیخاح بالاختیار لاینا فی اختیار.

ولیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - عبارت را استعمال میکنم بدقت بخوانید فرمایش حضراتی روی کلی صحیح است برای این که ما گفتیم کسی که فهم و اراده ندارد مجازات نشود حضراتی میفرمایند کسی که در حین ارتکاب آن که ندارد پس نعمت آن کلی واقع میشود لکن عبارت این است که برای آن تفسیر برای آن جرم که مثلاً میخواست است آدم بکشد

آن قوه درش نبوده مشروبات بقدری خورده که سلب اراده و فهم کرد ازش و رفت آدم کت این را ندیشود مجازات مشروب خوردن داد بلکه باید مجازات آدم کشی بار داده شود زیرا آدم از بین رفتن سلامتی و هوشراری ندیشناخت این کار را بکند آمد مشروبات زیادی خورد و سلب اراده و فهم از خود کرد و آدم کت. عبارت ماده اینطور است که کسی که برای ارتکاب تفسیر سلب عقل از خودش بکند و آن آدم کشی را در نظر داشته باشد اراده قتل درش بوده است و مشروبات استعمال کرده و آن قوه درش ایجاد شده و رفته است آدم کتنه این آدم چون تفسیر در نظرش بوده است باید مجازات شود.

ولیس - ماده ۹۵ قرائت میشود.

اختلال نام مشاعر

ماده ۹۵ - کسی که در موقع ارتکاب عمل بواسطه عارضه در حالی بوده است که قوه فهم و یا اراده از او مسلوب بوده مسئول نیست.

ولیس - آقای اعضا بزرگوار.

استعلامات - بنظر بنده این ماده ۹۵ با ماده ۹۲ فرق ندارد ماده ۹۲ نوشته است کسی که در موقع ارتکاب

فهم یا اراده ندارد مسئول نیست در این ماده هم میگوید کسی که در موقع ارتکاب عمل بواسطه عارضه در حالی بوده است که قوه فهم و یا اراده از او مسلوب بوده مسئول نیست اگر این دو ماده فرقی ندارد که یکی از آنها زیاد است و اگر فرقی دارد که آقای وزیر عدلیه توضیح بفرماید.

وزیر عدلیه - فرقی این است که در آن ماده اراده و فهم یکی از او مسلوب است ولی در این ماده این است که قوه و اراده بواسطه عارضه از بین رفته است و متعارض مختل شده است نه اینکه آن قوه یکی از بین رفته فعلاً در یک حالی واقع شده که بواسطه عارضه یک مرض یا استعمال مخدری در این حال واقع شده است.

ولیس - ماده ۹۶.

اختلال ناقص مشاعر

ماده ۹۶ - کسی که در موقع ارتکاب عمل مشاعر او بواسطه عارضه ضعف زیاد داشته بدون آنکه قوه فهم و اراده یکی از بین رفته باشد مسئول است ولی از مجازات او کاسته میشود.

ولیس - آقای عرفانی.

عراقی - عرضی ندارم.

ولیس - ماده ۹۷:

تأثرات و هیجان روحی

ماده ۹۷ - تأثرات و هیجان روحی واقع مسئولیت نیست مگر در مواردی که قانون آرا را واقع مجازات قرار داده باشد.

ولیس - ماده ۹۸

مسئ ناشی از ضرورت با اجبار و اضطراب

ماده ۹۸ - هر کسی در موقع ارتکاب عمل بواسطه مسئ کامل که در نتیجه ضرورت با اجبار یا اضطراب با استعمال مسکر حاصل شده باشد سلب قوه فهم و اراده از او شده مسئول نیست. همچنین است در صورتیکه مسئ کامل بواسطه اجتناب در استعمال مسکر حاصل شده باشد.

اگر مسئ کامل بوده لکن بحدی بوده است که تعاضن بزورکی در فهم و اراده ایجاد نمیکرد بدون آنکه بکلی آرا مختل کند از مجازات کاسته میشود.

ولیس - آقای دبیر.

طباطبائی - این جا راجع به ضرورت و اجبار و اضطراب بنده نظری داشتم البته راجع بانخاصی که مجنون هستند مسئولیت ندارند ولی راجع به ضرورت و اجبار و اضطراب در کسب بون هم مذاکره شد فرقی بین ضرورت و اضطراب چیست ضرورت ممکن است یک معانی مختلفی داشته باشد مثلاً شخصی میگوید که من عادت دارم و ضرورت داشتم استعمال مسکر کنم با یک چیز دیگری که مربوط به اضطراب باشد این را خوب است توضیح بدهند که در مقام عمل اشکال تولید نکنند.

وزیر عدلیه - گاهی است که استعمال بعضی عبارات ممکن است بنظر بیاید که کلی میتواند شامل معنی دیگری شود مرجعش این است که در محاکم اشکال بآن نکنند در موقع صدور حکم و تفسیح. چند مورد تصور میشود از آقای مسئ که مسئی حاصل شود در نتیجه یکی از آنها یکی ضرورت است مسئی اینها ضرورت را بگوئیم در جایی که از برای مدافوا لازم بوده است کسی مسکر در مزاج او بیهان فدری که از برای مدافوا استعمال نمیکرد است طوری بوده است که مسئ کامل فراهم میشود مسئ کامل که متر نسبت ولی باید طوری باشد که درش وقع شود و علاج شود این جایز بوده است این در حال ضرورت است یکی هم حال اجبار است که آنچه معلوم است که کسی دیگری را مجبور میکند یکی هم در حال اضطراب است فرض کنید یک جالی آب نیست از تشنگی نمیرود بگری هم معراضش دارد میخورد بقدری هم میخورد که دفع عطش و تشنگی او بشود ولی در نتیجه مسئ کامل پیدا میکند و موجب جرم نیست و اگر یکی از این الفاظ باشد ممکن است محکمه بگوید که نه این ضرورت است نه اجبار است نه اضطراب تمام این کلمات را باید گذاشت

که دیگر اشکالی تولید نکند.

ولیس - ماده ۹۹.

مسئ باختیار

ماده ۹۹ - اگر مسئ در نتیجه استعمال مسکر باختیار عارض شده باشد رافع مسئولیت با تخفیف نخواهد بود. اگر استعمال مسکر برای ارتکاب جرم یا تهیه عذر بوده مجازات زیاد میشود.

ولیس - آقای اعتبار.

اعتبار - بنده در این ماده ۹۹ و مواد مربوطه دیگر خواستم از آقای وزیر عدلیه پرسیده باشم که این را چه طور تفسیح میدهند تفسیح این مطلب کار مشکلی است برای این که بالاخره کدام مسئرا میشود تفسیح داد که این از روی عمد مشروب خورده یا کسی واقفاً ضرورت حاصل کرده است یا برای ارتکاب جرم این کار را کرده این اختلافات در موقع مجازات باک مجرم پیدا میشود برای اینکه امر یا عمدی است یا اشتباه و بالاخره باک خطا و جرمی را مرتکب شده است و باید مجازات را با یک ترتیب خاصی در نظر گرفت و اگر بخوایم حقوق مختلفی را در نظر بگیریم نتیجه این میشود که با خودش یا مدافینش متوسل میشود به اینکه این جا عمد بوده فلان بوده و بالاخره باک تصدیقانی از این و آن میگیرند و در نتیجه اصل جرم از بین می رود و بنظر بنده باک کاسته باشد بهتر است.

وزیر عدلیه - تصور میکنم محتاج به بحث زیاد در این قسمت نباشیم برای این که خبیل فرقی است بین مجازات نقدن و مجازات شدن و مسئولیت و عدم مسئولیت و بالضروره باید فرقی گذاشت بین کسی که تفسیر دارد و از روی عمد و تفسیر مرتکب میشود و آن کسی که از روی عمد یک کاری را نکرده است و نمیتوان باک کاسته کرد اما مسئله تفسیحی باید با مسائل ممکنه تفسیحی داد در بعضی جا هم شاید خبیل آسان باشد اگر معلوم شد کسی تصمم داشته بود و در موقع دیگری هم تهیه وسائل و اسباب کرده اشخاص دیگری هم مطلع هستند و برای

اینکه برساند این عمل را مرتکب شود مشروط بر آنکه بگوید که خودش را آماده برای این کار بکند البته آقایان شایده اید که در زمان سابق که میر غضب بود مرغضب بک میبلی هم مشروط میخورد برای انجام کارش اینها اگر تشخیص شد آنوقت بگوئیم فرق ندارد با آن کسی که در نتیجه بی اختیاری مشروب خورده است و مشتاق شده است بگوئیم فرق ندارد و بگوئیم هر دو مجازات دارند و این جا خلل وارد میشود اگر بگوئیم مجازات ندارند بحث نظر مستطاف و حاکم و آنها تشخیص میدهد موارد را

ولیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - عرض ندارم

ولیس - ماده ۱۰۰

ارتکاب عمل تحت تأثیر مخدر

ماده ۱۰۰ - احکام در مورد قتل در موردی که عمل تحت تأثیر مخدری ارتکاب شده باشد جاری است

ولیس - ماده ۱۰۱

مستق دایم

ماده ۱۰۱ - وقتی که عمل در موقع مستی ارتکاب شده و مرتکب معنادار استعمال مسکر بوده و غالباً در حال مستی باشد مجازات زیاد میشود

ازدباج مجازات مذکور در این ماده در موردی که تقصیر تحت تأثیر مخدر ارتکاب شده و مرتکب مستمراً استعمال آن میکند نیز جاری است

ولیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده عقیده ام این است که در ماده ۱۰۱ اگر چه اصل عمل عمل بدی است و برای صحت عمومی مضر است ولی وقتی که کسی معنادار به مسکر شده و در ضمن آن مرتکب بک جرمی شده نباید مجازاتش زیاد تر باشد زیرا که این قبیل اشخاص مثل یک مریض میمانند و مقصود نداشته راست است که اصل عمل بد است ولیکن اصل عمل ثانوی که مرتکب شده است تهیه ساقه

ولیر عبدالله - مقصود آقای دیبا این است که در ماده هم هنوز یک حدی از مسئولیت دارد اگر یک عمل بدی را مرتکب شد و باید یک فکری درباره او کرد بنده مرض میکنم تا چه حدی آقا میفرمایند از ده سال بپایین هم هست مثلاً چهار ساله را چطور ۵ پنج ساله را چه میفرمایند اگر مقصود سهرن به بیرون باشند یعنی اگر کسی را دارند به آنها بسپرد آن یک کار دیگری است امم از اینکه مرتکب جرمی شوند یا نتواند باید سپرده شوند و اگر هم کسی نباشد در دارالایام و آنجاها باید سپرد که خطرناک نباشد - مقصود ما از دوازده سال بپایین بود - در لایحه دولت هم از دوازده سال به پایین بود و در کمیسیون مذاکره شده چون بچه‌های ایران با هوشند ده ساله شان هم نیز خیر و شر را میفهمند و اینکه بکلی بگوئیم از دوازده سال بپایین یازده ساله هم مسئول نیست خوب نیست مناسب تر همین بود که ده ساله را هم بگوئیم و فرارشد که ده سال باشد مقصود این است که مسئول نیست یعنی هیچ مجازاتی داده نمیشود اما بچه‌های کوچک‌ها را ولو این که پنجساله یا چهارساله باشند باید آنها را جمع آوری کرد و یک جانی سپرد و آن را شهر داری است یا شهر یابی است و تزیین دیگری دارد

ولیس - ماده ۱۰۲

مسئولیت موزن از النکل یا معتدرات

ماده ۱۰۲ - برای ارتکاب اعمالی که در نتیجه اختلال مشاعر حاصل از مسئولیت موزن بواسطه استعمال مسکرات یا معتدرات به معنای آید احکام مواد ۹۵ و ۹۶ جاری میشود

ولیس - ماده ۱۰۳ قرائت میشود

سفاری که ده سال تمام ندارد

ماده ۱۰۳ - کسی که در موقع ارتکاب عمل ده سال تمام نداشته مسئول نیست

ولیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - این ماده در لایحه دروات ۱۲ ساله نوشته شده بود در ترکیب بیون لایحه در امر اتریش خیرل مذاکره شده و در ماده ششوی تغییر یافته این است که کاپیتان اولر این که سن ده ساله باشد بطور کلی مسئول ندانستن او صبح نیست و اگر یکی از مقررات ماده ۱۰۴ درباره همین طفل ده ساله اجرا شود بهتر است مثل سپردن بایوبین یا بایم با این که بگذرد هم از مقررات ماده ۱۰۴ ضعیف باشد عمل شود بهتر است تا اینکه هیچ مجازات نداشته باشد و الا ده ساله ممکن است که خیلی جرم‌ها را مرتکب شود و خطرناکی داشته باشد و آنوقت اگر هیچ مسئول باشد خطرناکی دارد که خوب نیست

۴ - نگاهداری در مؤسسه تربیتی

۵ - نگاهداری در یکی از مؤسسات صحتی

ولیس - آقای دکتر ادم

دکتر ادم - بنده در این موقع که ماده ۱۰۴ مطرح شده بود و مقنن به بندهم زیرا در مورد ماده ۹۴ که عرض کردم راجع به تشخیص است در موقع ارتکاب مجرمیت و اراده ندارند در نظر داده شد که چون قانون مجازات است و این اشخاص مجازات نمیشوند و مسئول نیستند از این جهت در این جا وسائل دیگری در نظر گرفته نمیشود و آن را شهر داری است و حالا در این ماده ۱۰۴ بنده می بینم که وسائل دیگری برای جلوگیری از خطرات یا تربیت اخلاقی این اشخاص در نظر گرفته شده صورتهایم میبورد نباشد که در ماده ۹۲ در مورد دوم با در کمیسیون مطالعه شود و یک مطلبی پیش بینی شود که در بهاره این قبیل اشخاص نوشته شود که با در دارالامان باین با مؤسسات صحتی یا در توفیق کاهانی که تحت نظر و مراقبت باشند نگاهداری شوند چون اینکه گفته شود مسئول نیستند و مجازات نمیشوند این شاید از نقطه نظر اخلاق اجتماعی عمومی هم مضر باشد و تأثیر داشته باشد که بگویند مسئول نیست و مجازات نمیشود

ولیس - آقای مدلل

مدلل - در قسمت دوم که نوشته شده سپردن بخانواده دیگر که نگاهداری کنند بنده فهمیدم این مطلب با پدر و مادر دارد یا ندارد اگر دارد که پسران - پسران بخانواده دیگر مورد ندارد برای اینکه هر پدر و مادری ولو هم که هر قدر بد باشد دلس بحال فرزندش بیش از دیگران میسوزد و اگر هم کسی را ندارد باید سپردش به مؤسسات شهر داری و این جا میخواستیم آقای وزیر عدلیه توضیحی بفرمایند که منظور معلوم باشد

ولیر عبدالله - آقا اینها را گذاشته اند برای اقتضای موقع که بنظر منکه باید باشد صحیح هم هست و خوب است که همین طور هم باشد اولاً ظاهرش تربیت است ولی این

ترتیب را محکمہ ملزم نیست که قبول کند سپردن بیک خانواده دیگری بد نیست با اصلا ابوبن ندارد یا اینکه ابوبن او دارای بیک اخلاق رفیقا باشند یا باقل کار هالی باشند که صاحبان ثابت مثل به آنها سپرده شود و بدتر از این است که سپارند این است که در همچو صورتی منتفی است که بیک خانواده خوبی که بتواند نگاهداری کنند و قبول هم نکنند سپردن والا بیک شخصی که پدر هم داشته ولی پدر در نزد او بیک اعمال ناشایسته تربیت بشود که بدتر از آن است که سپرده ندهد بورد البته باید سپرده شود.

مجلس - ماده ۱۰۵

مدت توقف نزد ابوبن یا در خانواده دیگر و یا در مؤسسه (مدت توقف نزد ابوبن یا بقیه با تمام خانواده دیگر و همچنین نگاهداری در مؤسسه تربیتی را محکمہ معین میکند و بهر حال مقررات مذکوره در ماده قبل در باره کسی که به سن ۱۸ سال تمام برسد ملغی است.

مجلس - ماده ۱۰۶

طایفای دیبا - در بیان ماده تعیین مدت توقف رجوع شده است به محکمہ پنی محکمہ هر چه صلاح دانست مدت توقف را در نزد ابوبن یا خانواده دیگر معین میکند . بدیهی است که وی و زیادی مدت تفریح در مجازات دارد ممکن است که مدت خیلی زیاد باشد مجازات شدید تر است ممکن است کم باشد شقیقت است بنده عقیده ام این است که بک اقل و اکثری معین کنند بعد رجوع کنند بنظر محکمہ بنابراین توقف را در این ماده بنویسند ازده روز تا بیست روز بیک حد اقل و اکثری باشد آنوقت محکمہ بر حسب کیفیت و اوضاع و احوال هر یک مدت را معین میکند و الا اینطور بنظر محکمہ نگارنده فایده ندارد و فخر عدلیه - آقا میرزا آقاسی بنده فایده ندارد بجهت این که این در حقیقت بیک مجازات و کتبانی در مثل نیست مدت توقف در نزد ابوبن یا بقیه یا خانواده دیگر در واقع ایجاد مسئولیت است برای دیگری اینکه شایسته نیست که

مجلس - ماده ۱۰۶

هر طایفه سپرده به ابوبن است لطیبا ولی اینکه محکمہ می سارد متناهی است این است که برای ابوبن - مابولینی ایجاد بکنند که آنها خوب نگاهداری کنند او را که دیگر امثال آن جرم را که مرتکب شده بود نکند و همچنین خانواده دیگر و البته محکمہ باید بیک مدتی را در نظر بگیرد که اگر مثلا چهارده ساله است سه سال کافی است در این خانواده باشد اگر کوچکتر است بیشتر . اینها را بهبود یافتنشان را در قانون پیش بقی کرد . اقتدار اکثر هم ندارد چون مجازات بر شخص مثل در واقع نیست

مجلس - آئین ذکر جوان

فخر جوانان - بنده فقط خواستم عرض کنم که آئین دیبا انگلستان وارد نیست برای اینکه در همین ماده هم مدت اقل و اکثر هم هست . در آن مقرراتی که برای نگاهداری طفل معین میکنند بنویسند طفل تا وقتی سرزد خانواده دیگر است که بهیچده تمام سال نرسیده باشد فرض کنید که طفل سیزده سال دارد آنوقت ممکن است تا هجده سال که چهار سال باشد نگاهداری شود ... (دیبا) باور کلی میکوبد (خریاقا صریح میکوبد . بهر حال مقررات ماده قبل در باره کسی که بسن هیجده سال تمام برسد ملغی است یعنی کسی را که سپردند بخانواده دیگر قرض بنامند چهارده سال دارد این در آنجا میماند تا به سن هیجده سال برسد عبارت این ماده هم همین است اجازه ایندمت با محکمہ است این را محکمہ باید بگوید که تا هیجده سال باشد ولی بعد از آنکه محکمہ این را معین کرد بعضی اینکه بسن ۱۸ سال رسید این مقررات ملغی میشود . بهمانه آخری تا مدت صفر بودن است و وقتی که کبیر شد این مقررات ملغی است .

مجلس - ماده ۱۰۶

التاء و تبدیل مقررات ماده ۱۰۶ - محکمہ میتواند لای الاقتضا هر یک از مقررات مذکوره در ماده ۱۰۶ را ملغی یا بیکس از مقررات

دیگران باید تبدیل کنند . (دیبا) مجلس - ماده ۱۰۷
اینخاص بپانزده ساله تا هیجده ساله
ماده ۱۰۷ - کبیکه در موانع ارتکاب عمل بپانزده سال تمام یا بیشتر داشته ولی به هیجده سال تمام نرسیده مسئول است مجازات و در مورد ارتکاب جنایاتی که مجازات آن اعدام یا حبس دائم یا کار است از ده تا پانزده سال حبس یا کار نہیں میشود .

و در سایر جنایات حبس تأدیب یا حبس یا کار که از پنجسال تجاوز نکند معین میکردد

در مورد ارتکاب جنحه مجازات او نصف مجازاتی است که بر فرض داشتن هیجده سال تمام تعیین میشود .

در صورت وجود کذبات غفقه در غیر جنایاتی که مجازات آنها اعدام یا حبس دائم است هرگاه از ملاحظه سوابق اخلاقی مرتکب مأمور شود که اهل شرارت نبوده و در مورد جنحه مطلقا محکمہ میتواند بجای مجازات مذکوره بیک یا چند فقره از مقررات فوق سوم و چهارم و پنجم ماده ۱۰۴ را اعمال کند

مجلس - آئین معطل

معطل - در اینماده در سطر سوم - و دهم بیک جمله ایست که بنده پیشنهاد کردم که برای شور دوم هم مورد مذاکره واقع شود نسبت (در غیر جنایاتی که مجازات آنها اعدام یا حبس دائم است) این حذف شود و برای این ذکر کردم که چون خودم عضو کمیسیون عدلیه نیسدم خواستم این جا عرض کنم تا در احوال رفایق پیشنهاد نمیشود . داده بشنم و این برای اشخاصی است که بیست سن بپانزده و هیجده سال است در صورتیکه تشخیص بدهیم که بپانزده سال حبس بهتر از اعدام است البته اینطور ماده نوشته شود بد نیست ولی برای بیک آدم پانزده یا شانزده یا هجده ساله پانزده سال حبس یا اعدام شایسته بدتر از اعدام است اساسا مایکندم اینخاص بدی و راز محسب بیرون میکشیم بیک آدم را از سن ۱۸ سالگی آنرا محکوم

به پانزده سال حبس میکنند و بدتر در محسب بعد از اینماده ایندمت بیک آدم بدبینی از محسب مایکند بیرون و بیجان جامعه می افتد این همه این بدی دیده البته آن وقتی که مرتکب این عمل شده آن آدم و اراده و عقل را نداشته و دردی بیک اشتباهی مرتکب بیک غلطی شده است ولی بیک کسی را از وقتی که عقلش رو به نمو رسیده و هوشش بیدار میشود او مورد نظر جامعه بنوده این وقتی که بیرون می آید جز اینکه با آن نظر بدبینی نگاه میکنند و مرتکب غلطیهای دیگر بشود و نظر بدبینی شود که بعد از این همه پانزده سال حبس میکنند برای بیک مملکت کم جمعیت برای بیک کشوری که بیوان جا بیش از همه چیز احتیاج دارد بنظر بنده بهتر اینست که آئین وزیر عدلیه نسبت با اربابا بر ممانند و ارفاقی هم که بنده در نظر گرفتم این است که همان نظری را با آنها داشته باشند که در سایر قسمت ها در ذیل اینماده در نظر گرفته اند و محقق این جمله که (در غیر جنایاتی که مجازات آنها اعدام یا حبس دائم است) میتوانیم جلوی کسی کنیم از بیک جنایی هالی که با نظر جانی نیستند . اگر بالفطر جانی است البته او را هر طور مجازات میکنند مامی ندارد از اعدام یا حبس دائم ولی اگر با نظر جانی نیست

آنوقت تصدیق بنامند پانزده سال حبس برای جوان بدتر از اعدام است .

فخر عدلیه - در این قانون بیش از آنچه آقا تذکره دادند به این نکات مراعات شده است اولاً برز حبس آنها بکلی با حبس کبار متفاوت است جاهاشان علینده است کارشان تفریح دارد و مساللی برای تعذیب اخلاق آنها باید در محسب موجود باشد و بدلی به سن ۱۸ سال که رسیدند در محسب ملاحظه میشود سایرین هر آنکری که برای آنها بشود برای این هم خواهد شد ولی برای آنها هم در این قانون پیش بینی شده است مراعات شده است در مواد آئین قانون ملاحظه میفرماید که محسب در حکم دارالتأدیب است برای محسبین و سعی کرده است این قانون که محسبین هر قدر هم که شریر باشند وقتی که از محسب بیرون می آید بیک آدم

